

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: بنیاد فرهنگ ستراتیژیک، ۲ فیروزی ۲۰۲۳*

نویسنده: یوری روبرتسوف

برگردان: ک. رادین

۱۳ فیروزی ۲۰۲۳

درس ستالینگراد به اشغالگران برای همه دورانها

به مناسبت هشتادمین سال پیروزی نیروهای شوروی در نزدیکی ستالینگراد



ارتش سرخ سال ۱۹۴۳ که سال تحولی بنیادی در جریان جنگ کبیر میهنی و کل جنگ جهانی دوم بود، با عزم و اراده‌ای بالا عملیات خود را آغاز کرد. ستاد فرماندهی عالی عملیات «حلقه» را برنامه‌ریزی کرد که در جریان آن نیروهای جبهه «دون»، سرلشگر «ک. ک. روکوسفسکی» (از ۱۵ جنوری ۱۹۴۳ - سپهبد) قرار شد گروه‌بندی دشمن را که در منطقه ستالینگراد در منگنه قرار داده بود، متلاشی و نابود کند. تا ۱۰ جنوری، تمام عملیات تدارکی انجام شده بودند. برای اجتناب از خونریزی‌های بیهوده و بی‌مورد، پیش از آغاز عملیات، نماینده ستاد فرماندهی عالی سپهبد توپخانه «ن. ن. ورونوف» و فرمانده جبهه «دون»، جنرال «ک. ک. روکوسفسکی» به فرماندهی ارتش ششم آلمان که در محاصره قرار گرفته بود، اولتیماتوم دادند و از آنها خواستند که داوطلبانه اسلحه خود را زمین بگذارند. در این اولتیماتوم گفته شد: «ما جان و امنیت همه افسران، درجه‌داران و سربازانی که به مقاومت پایان بدهند و پس از پایان جنگ، به آلمان یا هر کشوری که اسرای جنگی تمایل دارند بازگردند تضمین می‌کنیم. ما یونیفورم و نشان‌های نظامی، وسایل شخصی، اشیاء قیمتی همه نیروهای تسلیم شده و سلاح‌های سرد بالاترین افسران را حفظ می‌کنیم. به همه افسران، درجه‌داران و سربازان تسلیم‌شده بلافاصله غذای عادی داده خواهد شد. به تمامی مجروحان، بیماران و سرمازدگان کمک‌های پزشکی ارائه خواهد شد». ما انتظار پاسخ را تا روز بعد - ۹ جنوری، داریم. با این وجود، فرمانده ارتش ششم، سپهبد «اف. پائولوس»، که تسلط و قدرتش شامل کل گروه محاصره‌شده در منطقه ستالینگراد بود، نیروهای تحت امر خود را سرگردان کرد و «توضیح داده بود» که روس‌ها با اولتیماتوم خود فقط می‌خواهند اراده

مقاومت را بشکنند و هیچ وعده‌ای عملی نخواهند شد: «اگر ارتش سلاح‌های خود را زمین بگذارد، اکثر ما با مرگ حتمی یا بر اثر گلوله دشمن یا از گرسنگی و رنج در اسارت دهشتناک سیبری مواجه خواهیم شد. یک چیز واضح است - کسی که تسلیم شود دیگر هرگز عزیزان خود را نخواهد دید». اولتیماتوم فرماندهی شوروی رد شد و مسؤولیت تمامی قربانیان محاصره‌شده در نبردهای بعدی وجداناً بر گردن پاولوس می‌افتاد.

در ۱۰ جنوری عملیات انهدام گروه دشمن آغاز شد. لازم به یادآوری است که اطلاعات شوروی ضمن تعیین تعداد دشمن «محصورشده» اشتباه کرد. آنطور که مارشال «آ. ام. واسیلوسکی»، «طبق داده‌های سرویس اطلاعاتی از جبهه‌ها که در ضمیمه شرکت کرده بودند و همچنین ارگان‌های اطلاعاتی ستاد کل، شمار کل گروه محاصره‌شده ... در آن زمان ۹۰ - ۸۵ هزار نفر تعیین شده بود. در واقع، آنطور که بعداً متوجه شدیم، بیش از ۳۰۰ هزار بودند.»

در نتیجه انجام عملیات «حلقه» خلاف محاسبات اولیه ستاد فرماندهی عالی به درازا کشید. در نظر گرفته شده بود ضربه اصلی را از غرب به شرق به‌منظور دو نیم کردن گروه محاصره‌شدگان و متعاقب آن از بین بردن بخش‌های جداگانه آن وارد کنند. ولی، در گروه‌بندی غربی ارتش ششم لشکرهای آماده جنگ مستقر بودند، از این‌رو همان روزهای اول نبردهای سنگینی درگرفت. با این وجود، اوضاع کاملاً متفاوت از تابستان و پاییز ۱۹۴۲ بود. هرچند نیروهای جبهه «دون» از نظر نیروی انسانی و تانک برتری نسبت به دشمن نداشتند، اما از نظر توپخانه و هواپیما از آن بیشتر بودند و فرماندهی تجربه جنگی بسیاری را اندوخته بود. در راستای حمله اصلی «ک. ک. روکوسوفسکی» ۳۳ درصد از کل لشکر پیاده نظام، ۵۰ درصد توپخانه، ۵۷ درصد از گارد خمپاره‌انداز و ۷۵ درصد از واحدهای تانک جبهه را متمرکز کرد. تا پایان نخستین روز حمله، دفاع دشمن تا عمق ۶ تا ۸ کیلومتری شکسته شد. تا ۱۶ جنوری، قلمرو منطقه محاصره تا دوسوم کاهش یافته بود. بقایای گروه المانی شروع به عقب‌نشینی به محدوده‌های شهر ستالینگراد کردند. وعده داده‌شده توسط هیتلر و تضمین گورینگ، برای تأمین مداوم مهمات، سوخت و مواد غذایی از طریق هوا برای نیروهای محاصره‌شده توسط هوانوردی شوروی و نیروهای دفاع هوایی عقیم گذاشته شد. با از دست دادن آخرین فرودگاه‌های کم‌بیش مجهز به هوانوردی، تدارکات تنها با انداختن کانتینرها با چتر ممکن بود، اما کانتینرها غالباً بر روی آرایش جنگی نیروهای مهاجم ما می‌افتادند. اتفاقاً همانا در زمان ضمیمه شوروی در نزدیکی ستالینگراد بود که برای همیشه نیروهای هوانوردی حمل‌ونقل المان تخریب شدند که در اینجا حدود ۵۰۰ هواپیما را از دست دادند و تا پایان جنگ قدرت خود را بازسازی نکردند. نیروهای دشمن در منطقه‌ای که طول آن از شمال به جنوب ۲۰ کیلومتر و از غرب به شرق ۴ - ۳ کیلومتر بود، تحت فشار قرار گرفتند. در ۲۵ جنوری ۱۹۴۳، نیروهای جبهه «دون» به ستالینگراد راه یافتند و در پایان روز بعد ارتش بیست و یکم سرتیپ «ای. ام. چپستیاکوف» به ارتش ۶۲ سرلشگر «و. ای. چویکوف» پیوست که در تمامی ماه‌های آخر در محدوده شهر مواضع دفاعی را نگه داشت و بعد تعرض کرد. با این ضربه گروه‌بندی دشمن به دو بخش تقسیم شد: بخش جنوبی در قسمت مرکزی شهر و بخش شمالی که مشخص شد در منطقه تراکتورسازی و کارخانه بریکادی احاطه شده بود.

در ۳۰ جنوری، سپهبد «پائولوس» آخرین پیام رادیوگرافی را از هیتلر دریافت کرد. در آن پیام گفته شده بود: «ترفع شما را به جنرال فیلمارشال تبریک می‌گویم». همانطور که برخی از مؤرخان معتقدند، اگر آن پیام حاوی دستور پنهانی و در لفافه برای خودکشی بود (پیش از آن، حتی یک فیلمارشال المانی تسلیم نشده بود)، فرمانده ارتش در حال مرگ ترجیح داد به این کنایه توجه نکند. در همان روز، رئیس ستاد وی، جنرال «آ. اشمیت»، به مترجم مأموریت داد با پرچم سفید به میدان روبه روی فروشگاه بزرگی که در زیرزمین آن ستاد مخفی شده بود، برود و فرماندهانی با درجه مناسب را پیدا کند که فیلمارشال بتواند بدون از دست دادن حیثیت خود، تسلیم آنها شود. صبح روز ۳۱ جنوری،

افسران اداره ارتش ۶۴ به رهبری رئیس ستاد ارتش، سرلشکر «ای. آ. لاسکین» وارد محل ستاد شدند. اولتیماتوم به «پائولوس» داده شد که از گروه محاصره‌شدگان می‌خواست که به مقاومت پایان دهند و کاملاً تسلیم شوند. جنگجویان گرسنه المانی از اعماق زیرزمین بیرون آمدند و سلاح‌های خود را زمین گذاشتند ... نبرد تا ۲ فروری ۱۹۴۳ ادامه یافت، آخرین کانون‌های مقاومت دشمن از بین رفتند و با تسلیم دسته‌جمعی المانی‌ها و رومانیایی‌ها به اسارت رفتند. در مجموع در جریان عملیات «حلقه» حدود ۱۱۳ هزار پرسنل نظامی به اسارت نیروهای ما درآمدند که ۲۵۰۰ هزار نفر از آنها افسر بودند و از آنها ۲۲ نفر جنرال بودند. ۲۲ لشکر دشمن به‌طور کامل منهدم شد. شکست بزرگترین گروه ارتش المان در نزدیکی ستالین‌گراد و اقدامات موفقیت‌آمیز بعدی ارتش سرخ در نبرد «کورسک» تحولی در جریان جنگ بود. می‌توان گفت که ارزیابی بسیار شایسته‌ای از اقدامات فرماندهان شوروی را «پائولوس» ارائه داد. در فروری ۱۹۴۶، او در دادگاه نورنبرگ در مورد جنایتکاران اصلی جنگی به‌عنوان شاهد برای دادستانی طرف شوروی سخنرانی کرد. فیلدمارشال خرد و درهم‌شکسته در پاسخ به سؤال نیشدار یکی از وکلا، به این که آیا درست است که در زمان اسارت در آکادمی نظامی مسکو در مورد ستراتژی سخنرانی ایراد کرده است، پاسخ داد: «ستراتژی شوروی به قدری بالاتر از ستراتژی ما بود که روس‌ها حتی برای تدریس در مدرسه درجه‌داران بسختی به من نیاز داشتند. بهترین گواه این امر - نتیجه نبرد در ولگا است که در نتیجه آن من اسیر شدم و همچنین این واقعیت که همه این آقایان اکنون در اینجا در جایگاه مخصوص متهمین نشسته‌اند».

یک روز پس از کاپیتولاسیون ارتش ششم، زنگ‌ها در سراسر المان به نشانه عزا به صدا درآمدند، موسیقی عزاداری از رادیو پخش شد. سرویس امنیتی خبر داد که بسیاری از المانی‌ها شکست غم‌انگیز ارتش ششم را «تحولی در جنگ» می‌دانند. دستگاه تبلیغاتی رایش سوم تلاش کرد در یک بازی بد چهره خوبی داشته باشد. «فولکیشتر بنوباختر»، ارگان رسمی حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران المان نوشت: «آنها مردند تا المان زنده بماند.» و برای مردم شوروی و ارتش سرخ این جشنی بزرگ بود. این همانی بود که فرمانده عالی «ای. و. ستالین» در دستوری که در ۷ نوامبر ۱۹۴۲ به مناسبت ۲۵مین سالگرد انقلاب اکتوبر صادر شد، وعده داده شده بود. «در خیابان‌های ما جشن خواهد بود!» - نویسنده فرمان اطمینان داده بود و جشن هم فرارسید.

* <https://www.fondsk.ru/news/۲۰۲۳/۰۲/۰۲/stalingsgradskij-urok-zahvatchikam-na-vse-vremena-۵۸۳۸۰.html>